

سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری

چکیده

با افزایش جمعیت شهری و بالا رفتن میزان مطالبات شهروندان، دولت‌های تمرکزگرا عملاً در پاسخگویی به نیاز شهروندان دچار چالش شدند. نظریه پردازان سیاسی و اجتماعی به طرح دیدگاه‌های نظری به منظور تجدید ساختار در نظام سیاسی اداره حکومت‌ها برآمدند و نظریه رژیم شهری بیش از سایرین توانست به تبیین ساختار قدرت به ویژه در حکومت‌های محلی بپردازد. تمرکززدایی از ساختار قدرت و ایجاد ائتلاف میان سه نهاد قدرت یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی برای اداره امور نشان از وجود مجموعه‌ای از شبکه روابط مبتنی بر اعتماد دارد که این نهادها را قادر می‌سازد به صورت جمعی عمل نمایند. تمرکززدایی، سرمایه اجتماعی و حکمرانی بیانگر فرآیندی است که پاسخگویی مقتضیات جهان حاضر است. در این مقاله دیدگاه‌های نظری حاکم بر حکمرانی شهری تشریح و نشان داده شده است که مبانی نظری حکمرانی شهری را باید در نزد نظریه‌پردازان علوم سیاسی جستجو کرد و سرمایه اجتماعی نیز عامل قوام و تداوم حکمرانی شده است. به عبارتی شکل‌گیری نظری حکمرانی شهری مبتنی بر سرمایه اجتماعی است و ائتلاف رژیم‌های سیاسی در جهت حکمرانی خوب شهری و نیل به توسعه منوط به وجود سرمایه اجتماعی است. یکی از نظریات مهم سیاسی که به تحلیل و تبیین سازمان قدرت در شهرها می‌پردازد، نظریه تکثرگرایی است که معتقد است قدرت و نفوذ سیاسی در شهرها متمرکز و در انحصار یک گروه یا حزب سیاسی نیست بلکه قدرت متکثر است. با وجود عدم تمایل و علاقه شهروندان به پیگیری امور سیاسی به

دلیل رقابت احزاب سیاسی با یکدیگر و به منظور کسب قدرت، هریک تلاش می‌کنند پیشاپیش نیازها و خواسته‌های عموم را پیش‌بینی و متناسب با آن برنامه‌ارایه کنند. نظریه شهر به عنوان ماشین رشد، اعتقاد دارد، شهرها در حال رشد و گسترش هستند و حامیان اصلی رشد شهرها دلالان املاک و کار آفرینان هستند که ذینفع موضوع هستند. اداره امور شهرها نه بر اساس خواست مردم بلکه براساس خواست گروه‌های ذینفع است. نظریه رژیم شهرها نیز اشاره به ظرفیت‌های نابرابر گروه‌های سیاسی در امر تصمیم‌گیری و اعمال قدرت در شهرها و همچنین تأکید بر وجود گروه‌های غیر رسمی ذی‌نفوذ دارد. زمینه‌های شکل‌گیری تشکل‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی و همکاری آنها با یکدیگر و همچنین در نظر گرفتن حداقل منافع همدیگر و قواعد و اصول بازی سیاسی را باید در سرمایه‌های اجتماعی (ویژگی‌های فردی و کیفیت و کمیت شبکه‌های اجتماعی و روابط همکاری) جست. تحقق سبک و شیوه مدیریت امور محلی و شهری که از آن به عنوان حکمرانی یاد می‌شود منوط به شکل‌گیری یک مجموعه روابط رسمی و ساختارهایی از قبیل قانون مداری، چارچوب‌های حقوقی مدون و مشخص، تعریف و تعیین حدود رژیم‌های سیاسی، تعیین سطوح تمرکززدایی و فراهم نمودن زمینه مشارکت‌های همگانی در امور تصمیم‌گیری راجع به خط و مشی‌هاست.

کلید واژه‌ها: رژیم‌های شهری، سرمایه اجتماعی، تمرکززدایی، حکمرانی خوب شهری، تکنوکراسی.

مقدمه

تحلیل نظری توسعه و شناسایی راه‌های دستیابی به آن به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم در مورد کشورهای جهان سوم از سوی صاحب‌نظران مکاتب و دیدگاه‌های مختلف مطرح گردید. در چندین دهه اقتصاددانان و تحلیل‌های نظری آنان و راه‌حل‌های پیشنهادی، مورد عمل کشورهای جهان سوم بوده است. پس از گذشت چند دهه و ارزیابی عملکرد اجرای سیاست‌های اقتصادی توسعه و آگاهی از ناکامی آنها در رفع پدیده‌های فقر، بیکاری و نابرابری، ابعاد جامعه‌شناختی بر دیدگاه‌های اقتصادی به ویژه از دهه ۹۰ به بعد غالب گردید. نظریه‌های سرمایه اجتماعی، حاکمیت‌یاری و پی‌گیری سیاست تمرکززدایی از سوی دولت با هدایت و کمک‌های بانک جهانی در جهت تقویت نهادهای محلی و توانمندسازی مردم و ایجاد ظرفیت در جهت رونق بخشی به

وضعیت اقتصادی و اجتماع محلی و نیل به توسعه است. این مقاله سعی دارد روابط نظریه‌های سیاسی، حاکمیت‌یاری و سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از رویکردهای توسعه در دهه حاضر مورد بحث و تحلیل قرار دهد.

از اوایل هزاره جدید برای اولین بار در تاریخ بشر، بیش از ۵۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و خیلی از آنها در فقر و فلاکت به سر می‌برند و از نیازهای اساسی و حقوق اولیه محرومند.

جمعیت شهری جهان از ۳۰۰ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ میلادی رسیده است و رشد جمعیت شهری به طور متوسط قریب ۲/۵ درصد بوده است. و سالانه ۵۵ میلیون نفر به جمعیت شهری جهان افزوده شده است.

برآورد می‌شود در سال ۲۰۱۰، ۴/۲ میلیارد نفر از ۷ میلیارد نفر جمعیت جهان در آسیا و اقیانوسیه زندگی کنند و ۴۳ درصد جمعیت آسیا نیز در شهرها زندگی خواهند کرد و ۳۳ درصد از شهرهای آسیا جمعیتی بیش از ۵ میلیون نفر در قرن ۲۱ خواهند داشت. به اعتقاد نظریه پردازان اقتصادی، ظرفیت کشورها برای دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی وابسته به توانایی آنها در اداره امور شهرها است. مدیریت شهری امروزه بسیار اهمیت پیدا کرده است. شهرها در درآمد ملی، انتقال فن‌آوری اطلاعات و ایجاد سرمایه اجتماعی از طریق منابع انسانی نقش اساسی و تعیین کننده‌ای دارند. بنا بر گزارش مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل^۱ توسعه جوامع معاصر عمدتاً منوط به مدیریت رشد شهرها است.

امروزه شهرها با تقاضاهای روزافزون شهروندان روبرو هستند و دولت‌ها عمدتاً از عهده انجام آن وظایف برنمی‌آیند. طرح بحث تمرکززدایی^۲ و واگذاری بخشی از اختیارات و وظایف دستگاه‌های دولتی به نهادهای محلی و شهرداری‌ها در جهت اداره امور و برآوردن خواسته‌های شهروندان به حکومت‌های محلی و شهرداری‌ها است. دولت‌ها به واسطه تمرکز امور در خود در طولانی مدت به واسطه ناتوانی در برآوردن خواسته‌های شهروندان با بحران مشروعیت مواجه شدند و لذا با پیگیری سیاست تمرکززدایی و اعطای اختیارات به نهادهای محلی در جهت کسب مشروعیت از دست رفته بودند.

1. UNCHS/Habitat.

2. Decentralization.

ایده حکومت خوب^۳ مدت‌ها در عرصه نظام‌های حکومتی حاکم بود و دولت‌ها اعم از مرکزی و محلی خود را مکلف به برآوردن خواسته‌های مردم و شهروندان می‌دانستند ولی به واسطه افزایش جمعیت و بروز خواسته‌های جدید و ضرورت نگهداری از منابع و تأسیسات، دولت‌ها با چالش‌های جدی مواجه شدند و لذا بحث حکمرانی خوب^۴ مطرح گردید. در این نوشتار ما تلاش داریم ریشه‌های نظری حکمرانی خوب و شرایط و بسترهای اجتماعی لازمه برای تحقق حکمرانی خوب (سرمایه اجتماعی) و ویژگی‌های حکمرانی خوب را تشریح نماییم.

هدف

بحث پیرامون حکمرانی خوب و به ویژه حکمرانی خوب شهری و سرمایه اجتماعی طی یک دهه اخیر در جهان مطرح گردید که به تازگی در ادبیات علوم اجتماعی و سیاسی کشور ما نیز وارد شده است. هر دو مفهوم هم در جهان خارج و هم در کشور ما به صورت جدا و مستقل از هم بحث می‌شوند و تاکنون به ارتباط و پیوند آنها توجه نشده است. همچنین ریشه‌های نظری مفهوم حکمرانی خوب، بررسی و شناسایی نشده است. هدف این مقاله این است، ضمن بررسی اولیه مناسبات و پیوندهای این دو مفهوم، در عین حال ریشه‌های نظری مفهوم حکمرانی خوب نیز شناسایی و ارایه گردد.

مسئله

امروزه صاحب‌نظران و پژوهشگران عرصه علم و تحقیق از مفاهیم جدید در نوشته‌ها و مقالات خود استفاده می‌نمایند، بدون اینکه از خاستگاه‌های نظری آنها اطلاعات چندان دقیقی داشته باشند. همچنین گاه رویکردها و نظریه‌هایی توأماً و یا به صورت مستقل طرح و مورد بحث قرار می‌گیرند، بدون اینکه امکان پیوندهای نظری میان آنها را مد نظر قرار دهند. مفاهیم و یا به زبان دقیق‌تر رویکردهای سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب شهری از جمله مصادیق این امر است. مسئله مورد نظر در این نوشتار این است که ریشه‌های نظری حکمرانی خوب شهری به عنوان یک رویکرد جدید در عرصه مدیریت شهری کدام است و سرمایه اجتماعی که به عنوان یکی از منابع و سرمایه‌های کمک‌کننده و تسهیل‌کننده توسعه است، چه ارتباط و مناسبتی با حکمرانی خوب دارد؟

3. Good Government.

4. Good Governance.

پیشینه تحقیق

در زمینه حکمرانی خوب شهری و سرمایه اجتماعی در کشورهای خارجی پژوهش‌های زیادی انجام شده است که در این نوشتار از آنها استفاده شده است. در کشور ما در زمینه حکمرانی خوب تنها یک کتاب توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تدوین و ترجمه شده است که به واسطه استفاده محقق از منابع اصلی از ترجمه آن استفاده نشده است. در زمینه سرمایه اجتماعی مقالات و کتب، پایان‌نامه‌ها و سخنرانی‌های متعددی منتشر و برگزار شده است. طبق بررسی‌های انجام شده مبحث سرمایه اجتماعی موضوع قریب ۱۰ پایان‌نامه دکتری و بیش از ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های کشور بوده است. اما در خصوص بررسی خاستگاه نظری حکمرانی خوب شهری و همچنین مناسبات آن با سرمایه اجتماعی تحقیق و پژوهشی انجام نشده است.

روش پژوهش

روش بررسی و پژوهش در این نوشتار اسنادی بوده است. بدین معنی که با بررسی اسناد و مدارک و نوشته‌های صاحب‌نظران مختلف، سعی شده است ارتباط منطقی مورد نظر شناسایی و به تحلیل ارتباطات و پیوندها میان مفاهیم مورد نظر پرداخته شود. بنابراین ضمن توصیف مفاهیم و رویکردهای نظری مربوطه به تحلیل آنها نیز پرداخته شده است.

دیدگاه‌های نظری سیاست شهری

تکثرگرایی سیاسی و رشد: جامعه مدنی و توزیع قدرت

اندیشه تکثرگرایی، تاریخی طولانی و پربار در اندیشه سیاسی امریکا دارد و ریشه‌های آن را می‌توان در نظریه‌ها و نوشته‌های رابرت دال جامعه‌شناس سیاسی امریکا ملاحظه کرد. دال تکثرگرایی را از یک پارادایم کلی به سوی یک نظریه پخته در عرصه سیاست‌های شهری هدایت کرد. دیدگاه او این بود که نهادهای یک جامعه یا یک مکان شهری بر سیاست‌های یک جامعه اثر معنی‌داری دارند. نظریه دال مبتنی بر تحلیل و تفسیرهای وی از سیاست‌های رایج در شهر نیوهون امریکا بوده است که در اوایل دهه ۱۹۶۰ انجام گرفت. او تأکید کرد که زندگی در نیوهون شبیه بقیه شهرهای امریکا زیر سیطره چند بخش نهادی است: اقتصادی-سیاسی-هنری و مذهبی.

درون هریک از این بخش‌های نهادی عمده، گروه‌ها و سازمان‌های خاصی برای تقاضای عموم مردم محصولات را تولید و ارایه می‌کنند. دال مدعی است که پیشرفت هرکدام از بخش‌های نهادی و البته سازمان‌های درون آنها از طریق انباشت و سرمایه‌گذاری منابع اساسی صورت می‌گیرد. عملکرد هر حوزه به گونه‌ای است که تمایل به اشکال تخصصی شده منابع دارد. حوزه اقتصاد با انباشت و سرمایه‌گذاری در ثروت مادی سر و کار دارد، حوزه اشراف^۵ با انباشت و سرمایه‌گذاری منزلت^۶ سر و کار دارد و حوزه سیاسی با انباشت و سرمایه‌گذاری در قدرت سیاسی سر و کار دارد. در اینجا دال همان تفاوت‌های عمده که وبر میان مفاهیم طبقه- پایگاه و احزاب قایل است را دنبال می‌کند (Orum, 2001, 148). او بحث می‌کند که اغلب مردم توجه زیادی به سیاست ندارند، تنها آگاهی آنها در زمینه امور مرسوم مربوط به سیاست شامل اطلاع از مقامات سیاسی است و پی‌گیر آنها هستند، اما بعضی از شهروندان و شاید اغلب آنها در زمینه آنچه که در دنیای سیاست اتفاق می‌افتد، بی‌علاقه و توجهی به آن ندارند. با این همه به نظر دال دنیا به خوبی کارش انجام می‌گیرد، چراکه اولاً رهبران همیشه خواسته‌ها و آرزوهای مردم را پیشاپیش حدس می‌زنند- که البته این امر جوهره فرآیند انتخابات دموکراتیک است- و ثانیاً همه شهروندان، مدیران شبیه به هم و دارای ارزش‌ها و اهداف مشترک هستند. دال نظریه خود را به آزمون گذارد و کمابیش نظریه وی تأیید گردید: قدرت به طور گسترده میان عموم پراکنده بود احزاب و گروه‌های سیاسی با گرایش‌های مختلف با یکدیگر رقابت داشتند و قدرتمندترین و با نفوذترین شخصیت شهردار بود. تعدادی از مطالعات انجام شده در دهه ۱۹۶۰ به طور کلی نظریه دال را تأیید کردند. مهمترین کار انجام شده، کار والاس سایر^۷ و روبرت کافمن^۸ در شهر نیویورک بود. امروزه قیود مهمی برای دیدگاه تکثرگرایی مطرح است. دیدگاه اقتصاد سیاسی و یا نئومارکسیست یکی از دیدگاه‌هاست که آن را نقد می‌کند.

شهر به عنوان یک ماشین رشد

در دهه ۱۹۷۰ نظریه تکثرگرایان در زمینه سیاست شهری مورد حمله جدی قرار گرفت. انتقاداتی وجود داشت مبنی بر اینکه تکثرگرایان یک دید عینی راجع به سیاست ندارند و اینکه این دیدگاه بیشتر یک ایدئولوژی امریکایی است. از سویی دیگر مکاتب

5. High Society.

6. Prestige.

7. Wallace Sayre.

8. Robert Kaufman.

جامعه‌شناسی شهری و نخبه‌گرایی دیدگاه تکثرگرایی را مورد نقد قرار دادند. نخبه‌گرایان می‌گویند تکثرگرایان روشن نمی‌کنند که سرمایه‌داران و ثروتمندان از چه میزان قدرت در اجتماعات امریکایی برخوردارند. تکثرگرایان معتقدند که اساساً همه‌سیاسیون و گروه‌ها در سیاست‌های شهری برابر هستند. هر کسی صدایی دارد و هر گروهی می‌تواند اعمال قدرت کند. اما به نظر می‌رسد مقامات رسمی سیاسی بیشتر می‌توانند اعمال قدرت کنند. مولوچ^۹ که آموزش دیده دانشگاه شیکاگو است، معتقد است که دیدگاه تکثرگرایان به خطا رفته است. همه موضوعات شبیه به هم نیستند و همه صداها برابر نیستند. در حقیقت به نظر مولوچ تأکید اساسی شهرها و دیگر اجتماعات بر رشد است. رشد نیروی محرکه شهر است و همه دیگر موضوعات و اصول نسبت به آن در مرتبه دوم قرار دارند. شهر به نظر مولوچ شبیه به یک ماشین رشد است. شهر به سرعت سیاست‌هایی را تولید می‌کند که برای آن مطلوب است و آن را رشد می‌دهد. ماهیت طبیعی شهرهای امریکایی گسترش و رشد است. دلالتان املاک و کارآفرینان حامیان اصلی رشد هستند. آنها نقش اصلی را در تبدیل زمین و فضا شهری به کالا بازی می‌کنند. اما دیگر کنشگران در شهر از منافع حاصله از شهر بهره می‌برند. به نظر مولوچ مقامات سیاسی افزایش رشد شهر را می‌پذیرند، چرا که هرچه که تعداد ساکنان شهری که آنها بر آن حکم می‌رانند بیشتر باشد، قدرت آنها زیاد می‌گردد. نتیجه اینکه یک نوع اتحاد نامیمونی در شهر رخ می‌دهد- اتحادی از کارآفرینان املاک و مستغلات- بانکداران- مقامات سیاسی و حتی کارگزاران وسایل ارتباط جمعی- و همه آنها از رشد حمایت و پشتیبانی می‌کنند، زیرا همه آنها از رشد بهره‌مند می‌شوند.

دیوید هاروی نیز بحث می‌کند که شهرها همانند دیگر اشکال دارایی در دست سرمایه‌داری دو نوع قیمت‌گذاری^{۱۰} دارد: یکی قیمت‌گذاری بر اساس بازار که به عنوان ارزش مبادله^{۱۱} شناخته می‌شود و دیگری قیمت‌گذاری بر اساس استفاده‌ای که ساکنان از آن می‌کنند و در محاسبه دارایی‌هایشان آن را به حساب می‌آورند، که به عنوان ارزش استفاده^{۱۲} شناخته می‌شود. ارزش مبادله اولین بار توسط کارل مارکس برای توزیع ماهیت کالایی شدن در سرمایه‌داری مدرن مطرح گردید. زمانی که مقاصد کار آفرینان و دلالتان املاک و مستغلات با منافع ساکنان محل تضاد پیدا می‌کند، و ضرورتاً ارزش زمین و فضا

9. Molotch.

10. Valuation.

11. Exchange Value.

12. Use-Value.

محور است، مبارزات سیاسی عمده افشا می‌گردد و اغلب از طریق سیاست‌های جاری در شهر قابل مشاهده است.

دیگر تحقیقات بر نقش کارآفرینان املاک و مستغلات و بساز و بفروش‌ها در عرصه شهری تأکید دارند. جو فیگن^{۱۳} و مارک کات داینر^{۱۴} گفته‌اند که کارآفرینان املاک و مستغلات نقش مهمی در شکل‌دهی به شهر دارند و قدرت عمل آنها که اغلب قابل مشاهده است در انتخاب‌های شهر که انجام می‌دهد تعیین‌کننده‌اند. دیگر محققان مانند سوزان فاینستاین^{۱۵} نیز نکات مشابهی را یادآور می‌شوند.

نظریه رژیم شهری

ریشه‌های نظریه رژیم شهری را می‌توان در کارهای دو عالم سیاست یعنی استفن الکین^{۱۶} و کلارنس استون^{۱۷} جستجو نمود. بحث تئوری رژیم از جایی شروع می‌شود که رابرت دال و تکثرگرایان آن را رها کردند. دال و تکثرگرایان بر پراکندگی گسترده و توزیع قدرت در شهرها تأکید کردند. بدون اینکه به ظرفیت‌ها در تصمیم‌گیری‌ها در سیاست‌های محلی توجه داشته باشند. برای تکثرگرایان چندگانگی^{۱۸} و تکثر^{۱۹} پایه قدرت است. مسأله و مشکل این نظریه این است که ظرفیت همه گروه‌ها در تصمیم‌گیری‌ها برابر نیست. بعضی از تشکلهای تجاری^{۲۰} که دارای نفوذ بیشتری هستند، قادر هستند بیش از سایر گروه‌ها بر تصمیمات اثرگذار باشند.

استون در نقد نظریه تکثرگرایی می‌گوید حتی اگر شهرها زیر سیطره ائتلاف ذینفعان تجاری^{۲۱} باشند، ضرورتاً به این معنی نیست که آنها به سادگی متعهد شوند، طرحی را تهیه کنند تا موجب رشد و سوددهی تجارت شوند. او معتقد بود سیاست‌های شهری یک بازی با جمع صفر^{۲۲} نیست که در آن ظهور قدرت در بخشی از اجتماع تجاری به معنی عدم حضور دیگر گروه‌ها باشد (الکین و سلتانک، ۱۹۹۳، ۲۸).

شهرها باید به عنوان یک "دنیای پرآشوب"^{۲۳} نگریسته شود. آرایش نهادهای رسمی تأثیر اندکی بر آنچه که در شهر اتفاق می‌افتد دارد. در حقیقت، عامل تداوم راه شهرها یک دسته آرایش‌های غیررسمی همکاری‌هایی است که در طول زمان رخ می‌دهد.

13. Joe feagin.
16. Stephen Elkin.
19. Plural.
22. Zero-Sum Game.

14. Mark Cott diener.
17. Clarence Stone.
20. Business.
23. World In Chaos.

15. Susan Fainstein.
18. Multiple.
21. Business Interests.

استون بحث می‌کند که خیلی از شهرها دارای چنین رژیم‌هایی هستند و با اینکه نخبگان تجاری برای سلطه بر ساختار قدرت تلاش می‌کنند، با این همه تصمیمات واقعی از طریق یک فرآیند گفتگو و مباحثه، انگیزه‌های انتخاباتی^{۲۴} و درک " فرصت‌های حداقل^{۲۵} " صورت می‌گیرد. در رژیم‌ها هیچ چیزی قابل پیش‌بینی و از پیش اندیشیده نیست، هر چند که شهرها زیر سلطه تشکلهای تجاری باشند.

در مدل انتخاب عقلانی و رسمی پترسون^{۲۶} که بر اساس دلایل اقتصادی استوار است، تضادی بین سیاست‌های توسعه‌ای^{۲۷} و باز توزیعی^{۲۸} وجود دارد. استون به دقت این موضوع را بررسی نمود. وی معتقد است توازنی^{۲۹} بین تلاش برای کارایی و تلاش برای عدالت یا برابری در سیاست‌های شهری وجود دارد.

تفاوت‌های اساسی میان نظریه رژیم و نظریه ماشین رشد این است که، هر دو بر اهمیت تجارت بر رشد و توسعه شهرها توافق دارند. اما نظریه ماشین رشد قدرت اتحاد شرکت‌های تجارت را مخرب می‌داند. استون معتقد است که فرآیندهای واقعی سیاست‌های شهری منجر به سازش و گفتگو میان رهبران شرکت‌های تجاری و دیگر گروه‌های کلیدی می‌شود. شرکت‌ها و گروه‌های تجاری ممکن است ظاهراً مسلط شوند ولی از طریق همکاری با سایر گروه‌های سیاسی کارها به پیش می‌رود.

لذا با توجه به مباحث نظری فوق دیدگاه تکثرگرایی که از سوی رابرت دال مطرح شده است و مطالعه موردی وی شهر نیو هون امریکا بوده است، بر این است که تصمیمات در مورد مسایلی چون نوسازی شهری، آموزش و پرورش و سیاستگذاری شهری توسط سه گروه ناسازگار تعیین می‌گردد و هیچ گروه نخبه منحصر به فردی وجود ندارد، بلکه تعدد یا تکثر منافع وجود دارد. دال چنین نظامی را چند سالاری^{۳۰} توصیف می‌کند که در آن دولت و ساختارهای سیاسی عرصه را فراهم می‌کنند که در آن عرصه، گروه‌های ذینفع گوناگون می‌توانند بر سر پیشنهادهای سیاسی چانه بزنند و رقابت کنند (راش، ۱۳۷۷، ۷۵).

دیدگاه ماشین رشد و یا اقتصاد سیاسی شهر معتقد است همه گروه‌های حاکم و ذینفع شهر دارای صدایی برابر و توانی یکسان نیستند و ائتلافی از بساز و بفروشان، بانکداران، مقامات سیاسی و حتی صاحبان وسایل ارتباط جمعی در یک پیوند نامیمون سبب رشد شهری می‌شوند و سایرین را مورد استثمار قرار می‌دهند.

24. Selective Incentives.
28. Redistributive.

25. Small Oppertunities.
29. Trade-Off.

26. Peterson.
30. Polyarchy.

27. Developmental.

دیدگاه و نظریه رژیم شهری کار را از جایی شروع کرد که نظریه تکثرگرایی آن را رها کرده بود. این نظریه معتقد است که ظرفیت همه گروه‌ها در تصمیم‌گیری برابر نیست و بعضی از اجتماعات تجاری بیش از سایر اجتماعات و تشکل‌ها بر تصمیمات اثر گذارند. این دیدگاه بر این است که ممکن است یکی از نخبگان بر قدرت مسلط شوند ولی با این همه تصمیمات واقعی از طریق یک فرآیند گفتگو و مباحثه انجام می‌گیرد.

نظریه رژیم شهری به قدرت به صورت پراکنده نگاه می‌کند و رژیم‌ها را به صورت نظاماتی^{۳۱} می‌بیند که از طریق آنها حکومت‌های محلی و کنش‌گران خصوصی ظرفیت موجود برای اداره امور را روی هم جمع می‌کنند. دلیل اصلی پراکندگی قدرت این است که نیرو و کار بین بازار و دولت تقسیم شده است (Elkin, 1989, 18). به عبارتی هم حکومت محلی و هم تجار بخش خصوصی برای اداره کردن امور منابعی را در اختیار دارند.

بنابراین باید گفت نظریه‌پردازان علوم سیاسی و به ویژه نظریه‌پردازان تکثرگرایی به رهبری دال، با توجه به تجربه مدیریت شهری در کشور آمریکا، اعتقاد دارند بازیگرانی در شهر حضور دارند که با توجه به توان و ظرفیت خود در شهر نقش ایفا می‌نمایند. عناصر و بازیگران مورد نظر در رویکرد حکمرانی خوب شهری، با توجه به همین مبانی نظری تعریف شدند که در ادامه بحث بدان پرداخته خواهد شد. برای بررسی ارتباط و مناسبات حکمرانی خوب شهری با سرمایه اجتماعی در ذیل به طرح سرمایه اجتماعی می‌پردازیم.

سرمایه اجتماعی^{۳۲}

سرمایه اجتماعی به شعار روز علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد تبدیل شده است. سرمایه اجتماعی یک مفهومی است که عمر آن به قرن هجدهم و قبل از آن می‌رسد که اخیراً در مباحث مربوط به جامعه مدنی دوباره مطرح شده است (Kilby, 2002). اگر ما بگوییم جامعه مدنی آرایش نهادهای غیر دولتی جامعه را در حکمرانی تشریح می‌کند پس سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی اساسی را تشریح می‌کند که از طریق آنها آرایش‌های نهادی ظهور و بروز می‌یابند. با توجه به هر نوع موضوع بدون بررسی دیدگاه تک‌تک نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، تعاریف مختلفی که از سرمایه اجتماعی شده است در زیر آورده می‌شود.

31. Arrangement.

32. Social Capital.

تعریف پیشنهادی برای سرمایه اجتماعی (Haddad.I & Malucci.j, 2002, 55)

شبکه روابط متقابل بین عامل‌های درون یک اقتصاد؛ (Barr, 2000, 539)

روابط اقتدار، روابط اعتماد و تخصیص هم رایانه حقوق هنجارهای ایجاد شده؛ (Coleman,)

(1990, 300)

سرمایه اجتماعی در آغاز یک دسته فرآیندهایی است که منجر به تولید برون بودهایی می‌شود که حاصل کنش‌های اجتماعی است. بنابراین سرمایه اجتماعی یک دسته کنش‌های اجتماعی است و شامل آن دسته‌ای است که یا خود با دوام هستند یا روی آنهایی که با دوام هستند اثر می‌گذارد. (Collier, 1998, 6).

هنجارهای غیر رسمی که موجب رشد همکاری بین دو فرد و یا بیشتر می‌شود (Fukuyama,)

(2000, 3).

سرمایه اجتماعی فردی به عنوان ویژگی‌های اجتماعی فرد- شامل مهارت‌های اجتماعی، جذب، و Rolodex- وی را قادر می‌سازد تا از طریق کنش با دیگران به منافع در بازار و غیر بازار دست یابد (Laeser, Laibson and Sacerdote, 2000, 4).

مطابق تعریف پاتنام گروه‌هایی که در عادات افرادشان همکاری و انسجام و سرزندگی تزریق می‌کنند و طبق نظر اولسونیان گروه‌هایی که ائتلاف‌های توزیعی تشکیل می‌دهند (Knack and Keefer, 1997, 1271).

کمیت و کیفیت معاشرت در زندگی و هنجارهای اجتماعی مرتبط با آن؛ (Narayan and)

(Pritchett, 1999, 872)

اشکال سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد که هماهنگی و همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می‌کند (Putnam, 1995, 67).

سرمایه اجتماعی ساختاری، شامل نقشه‌ها، قواعد، رویه‌ها و سنت‌ها به عنوان شبکه‌های اجتماعی که سبب ایجاد الگوهای جاری کنش‌های اجتماعی می‌شوند. سرمایه اجتماعی شناختی، شامل هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهایی است که مردم را راغب به همکاری می‌کنند (Uphoff and Wijayaratha, 1876, 2000).

هنجارها و شبکه‌ها که مردم را برای کنش جمعی قادر می‌سازد

• دیدگاه اجتماع‌گرایی، که برابر با سازمان‌های محلی چون کلوب‌ها، مؤسسات و گروه‌های شهری تعریف می‌شود.

• دیدگاه شبکه‌ای، که بر اهمیت مؤسسات افقی و عمودی بین مردم و روابط درونی و برونی چنین تشکلات سازمانی از قبیل مؤسسات و گروه‌های اجتماعی تأکید می‌کند.

• دیدگاه نهادی بر این است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی و جامعه مدنی عمدتاً نتیجه فضای سیاسی، قانونی و نهادی جامعه است.

• دیدگاه هم افزایی تلاش می کند که کارهای قوی برآمده از دیدگاه‌های شبکه‌ای و نهادی را با هم تلفیق کند (Woolcock and Nayayan, 2000, 226-235).
 هنجارها و روابط اجتماعی مستحکم و ریشه‌دار در ساختارهای اجتماعی جوامع که مردم را در هماهنگی کنش‌ها برای دستیابی به اهداف مطلوب خود قادر می‌سازد (World Bank, 2001).

طبق تعاریف فوق، همه محققان توافق دارند که کنش‌های اجتماعی افراد هسته مرکزی سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و زمانی که کنش‌ها در سطح فردی رقم می‌خورند، سرمایه اجتماعی به طور بالقوه برون بود^{۳۳}هایی را تولید می‌کنند و عضویت در یک گروه منافع و هزینه‌های پیش‌بینی نشده‌ای را دارد.
 کنش‌های جمعی افراد به طور غیرمستقیم برای کسانی که در گروه‌ها عضویت ندارند نیز منافع و هزینه‌هایی دارد. همچنین مفاهیم مشارکت در اجتماع محلی، کنشگرایی در یک موقعیت اجتماعی احساس اعتماد و امنیت، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها و توانایی همکاری با دیگران به عنوان عناصر سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند (شریفیانی ثانی، ۱۳۸۰، ۱۹).

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان دو دسته دیدگاه درباره سرمایه اجتماعی را شناسایی نمود.

۱- سرمایه اجتماعی به عنوان ویژگی فردی. پتانسیل افراد برای فعالیت و مشارکت مؤثر در شبکه ارتباطات بر اساس شناخت متقابل در یک فضای اجتماعی و حفاظت از آن از طریق مبادلات نمادی و مادی است (بوردیو). بر این اساس سرمایه اجتماعی دارایی‌های خوب خصوصی است که افراد آنها را انباشت و از آنها برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کنند.

۲- سرمایه اجتماعی به عنوان یک صفت جامعه. کیفیت شبکه‌ها و روابط، افراد را برای همکاری و کنش جمعی قادر می‌سازند (پاتنام). بر این اساس، سرمایه اجتماعی بر پایه درجه بالای اعتماد بین شخصی و به همان میزان ارزشمندی اعتماد نهادهای عمومی و سیاسی است که قواعد حقوقی را ایجاد و رعایت می‌کنند و همه مبادلات را شفاف و ایمن می‌سازند.
 دو دسته مشکل در آشتی دادن این دو مفهوم سرمایه اجتماعی وجود دارد. یکی مربوط به اقتصاددانان است که تمایل دارند عوامل مختلف در رشد اقتصادی و رفاه ملل را

33. Externalities.

شناسایی کنند و اغلب تفسیرهای پانتم درباره سرمایه اجتماعی را ترجیح می‌دهند، در حالی که جامعه‌شناسان تلاش برای تبیین بازتولید نابرابری را ترجیح می‌دهند و لذا تمایل به مفهوم‌سازی بوردیو و کلمن دارند. اقتصاد دانان سعی می‌کنند از متغیرهای سطح اعتماد و مشارکت اجتماعی استفاده کنند در حالی که جامعه‌شناسان از متغیرهایی چون منزلت اجتماعی، جایگاه فرد در ساختار قدرت و عضویت در شبکه‌های غیررسمی استفاده می‌کنند. تلاش‌هایی جهت حل مسأله دوگانگی مفهوم سرمایه اجتماعی صورت گرفته است. در سال‌های اخیر بانک جهانی سعی نمود این دو رهیافت را با هم تلفیق نماید و شیوه نگاه واحدی را نسبت به سرمایه اجتماعی به وجود آورد. ولکاک^{۳۴} (۱۹۲۸) تعریف جدیدی را ارائه کرد که بر اساس اعتماد عام اجتماعی و هنجارهای اجتماعی پانتم از یک سو و جنبه‌های فردی بیان شد. آنچه را که وی آن را دیدگاه هم‌افزایی سرمایه اجتماعی^{۳۵} نامیده است، در جهت تلفیق این دو بعد می‌باشد.

دیدگاه هم‌افزایی^{۳۶}

مطالعاتی که از منظر هم‌افزایی درباره توسعه در کشورهای هند، مکزیک، روسیه، کره جنوبی و برزیل شده‌اند و در یک شماره ویژه " توسعه جهانی (۱۹۹۶) به چاپ رسیده‌اند به دنبال شرایط مساعد هم‌افزایی‌های توسعه، یعنی ائتلاف‌های حرفه‌ای پویا و روابط بین و مابین بوروکراسی‌های دولتی و بازیگران متعدد جامعه مدنی بوده‌اند. نتایج گسترده‌ای که از این بررسی‌ها حاصل شده سه موضوع زیر هستند:

- ۱- بر خلاف برخی نظریه‌پردازان نظریه‌های انتخاب عمومی و اجتماعی‌گرایی نه دولت و نه جوامع هیچ‌کدام ذاتاً خوب یا بد نیستند. حکومت‌ها، شرکت‌ها و گروه‌های مدنی متغیرهایی هستند که می‌توانند بر کسب اهداف عمومی تأثیر داشته باشند.
- ۲- دولت‌ها، شرکت‌ها و اجتماعات به تنهایی صاحب منابع مورد نیاز برای ارتقا توسعه پایدار، روابط مکمل و مشارکت سازنده که هم در درون و میان این بخش‌های مختلف مورد نیاز است، نیستند. پس تشخیص شرایطی که تحت آن این هم‌افزایی‌ها پدیدار شده (یا نمی‌توانند پدیدار شوند) وظیفه اصلی نظریه و عمل توسعه است.
- ۳- از میان بخش‌های مختلف، نقش دولت در تسهیل پیامدهای توسعه‌ای مثبت، مسأله ساز و مهم است. سبب این است که دولت هم فراهم‌آورنده نهایی کالاهای عمومی

34. Woolcock.

35. Synergy View of Social Capital.

36. Synergy View.

(مانند نرخ پول ثابت، سلامتی عمومی و آموزش دانشگاهی) است و هم حاکم و عامل حاکمیت قانون (مانند حقوق مالکیت، جریان پرداختها، آزادی بیان و تجمع). همچنین بازیگری است که بهترین موقعیت را برای تسهیل حیات پایدار ائتلاف‌های پایدار در میان مرزهای طبقه‌ای، قومیتی، نژادی، جنسیتی، سیاسی و مذهبی دارد. گروه‌های اجتماعی و شرکت‌ها نیز به سهم خود نقش مهمی را برای ایفا کردن دارند. آنها می‌توانند شرایطی را ایجاد کنند که حکمرانی خوب به وجود آمده و به رسمیت شناخته شود. اوانز (۱۹۹۶: ۳۲-۱۱۱۹) یکی از نخستین صاحبان این نظریه نتیجه می‌گیرد که هم‌افزایی میان کنش حکومت و شهروندان بر پایه "تکمیل‌گری"^{۳۷} و "احاطه‌گری"^{۳۸} است. تکمیل‌گری اشاره به روابط حمایتی متقابل میان بازیگران عمومی و خصوصی دارد و در چارچوب قواعد و قوانینی که از اجتماع یا حقوق پایین‌تری مانند تدارک حمل و نقل از سوی دولت برای تسهیل مبادله میان نهادهای اجتماع دفاع می‌کند، بیان می‌شوند. احاطه‌گری اشاره به ماهیت و میزان پیوندهای متصل‌کننده شهروندان و مقامات رسمی^{۳۹} دارد. مثال‌های کلاسیک این موضوع از آبیاری هستند. مسؤولان آبیاری گرفتار روابط محلی هستند و از این رو از سوی اجتماع محلی برای کارکردن و پاسخگو بودن به آن تحت فشار هستند. نکته مهم این است که این گرفتاری‌ها تنها جایی اثر دارد که کنش‌های مقامات رسمی را محیط‌های سازمانی عملکرد محور که با کفایت، انسجام و باورپذیری مشخص می‌شوند، محدود کرده باشند. نظریه هم‌افزایی سه وظیفه اصلی برای نظریه‌پردازان، پژوهشگران و سیاستگذاران پیشنهاد می‌کند. نخست، شناختن ماهیت و میزان روابط اجتماعی، نهادهای رسمی و تعامل بین آنها که یک اجتماع معین را مشخص می‌سازد. دوم بسط راهبردهای نهادی بر پایه فهم روابط اجتماعی به ویژه میزان سرمایه اجتماعی پیوندی در جامعه یا اجتماع محلی، سومین وظیفه، تشخیص شیوه‌ها و ابزارهایی که از طریق آنها تظاهرات مثبت اجتماعی، همکاری گسترده، اعتماد و کارایی نهادی پدید می‌آیند یا تظاهرات منفی آن فرقه‌گرایی، انزوای و فساد به وجود می‌آیند. به عبارت دیگر، چالش انتقال وضعیت‌هایی که در آنجا سرمایه اجتماعی محلی معادل نهادهای رسمی ضعیف، خصومت‌آمیز یا بی‌تفاوت است به وضعیتی که در آن هر دو عرصه‌ها یکدیگر را تکمیل می‌کنند.

دیدگاه هم‌افزایی که تلفیق‌گر سایر دیدگاه‌ها درباره سرمایه اجتماعی است بر ائتلاف حرفه‌ای و پویا و روابط بین و مابین بروکراسی دولتی و بازیگران متعدد جامعه

37. Complementarity.

38. Embeddedness.

39. Public Officials.

مدنی است. حکومت‌ها، شرکت‌ها و گروه‌های مدنی هر یک می‌توانند در تحقق توسعه پایدار اثرگذار باشند و هیچ‌یک به تنها صاحب تمامی منابع نیست، توسعه پایدار حاصل کنش متقابل میان بازیگران مختلف است. در نظریه رژیم شهری و نظریه‌های سیاسی نیز دیدیم که بر وجود چندین بازیگر و تکثر قدرت تأکید شده است، بنابراین می‌توان گفت مبانی نظری دیدگاه سرمایه اجتماعی را می‌توان در نظریه‌های سیاسی جستجو نمود.

حکمرانی و حکمرانی خوب

مفهوم حکمرانی مفهومی جدیدی نیست. قدمت آن به قدمت تاریخ تمدن بشری برمی‌گردد. این اصطلاح از لغت یونانی *Kybernan* و *Kybernetes* گرفته شده است و معنی آن هدایت کردن^{۴۰} و راهنمایی کردن^{۴۱} و یا چیزها را در کنار هم نگه داشتن است. در حالی که مفهوم دولت دلالت بر واحد سیاسی برای انجام وظیفه سیاستگذاری که برجسته‌تر از اجرای سیاست‌ها است، لغت و مفهوم حکمرانی اشاره به پاسخگو بودن هم در سیاستگذاری و هم در اجرا دارد. مکارنی و همکاران حکمرانی را چنین تعریف کرده‌اند «رابطه بین جامعه مدنی و دولت، بین حکمرانان و حکمرانی‌شوندگان، حکومت و حکومت‌شوندگان» (مکارنی و همکاران، ۱۹۹۵، ۵).

سه نوع رژیم اصلی^{۴۲} در حکمرانی مشارکت دارند. آنها عبارتند از دولت^{۴۳}، جامعه مدنی^{۴۴} و بخش خصوصی^{۴۵}.

همه این سه نوع رژیم نقش اساسی در توسعه پایدار انسانی ایفا می‌کنند. از آنجا که هر یک از این سه نوع رژیم ضعف‌ها^{۴۶} و قوت‌هایی^{۴۷} دارند، هدف اصلی حکمرانی خوب افزایش بالاترین میزان کنش متقابل میان آنها در جهت به حداقل رساندن نقاط ضعف و به حداکثر رساندن نقاط قوت است. هرچه گفتگو و ارتباط این سه بخش بیشتر باشد، مسیر حرکت جامعه در جهت رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی هموارتر خواهد شد. هرچه که وابستگی، همبستگی و تعادل بین این سه بخش بیشتر شود، برای جامعه بهتر خواهد بود. مفهوم حکمرانی در ساده‌ترین تعریف عبارتست از: فرآیند تصمیم‌گیری و فرآیندی که به وسیله آن تصمیمات به اجرا گذاشته می‌شوند. حکمرانی در بسترهای مختلف به کار

40. to steer.

43. State.

46. Weaknesses.

41. to pilot.

44. Civil Society.

47. Strengths.

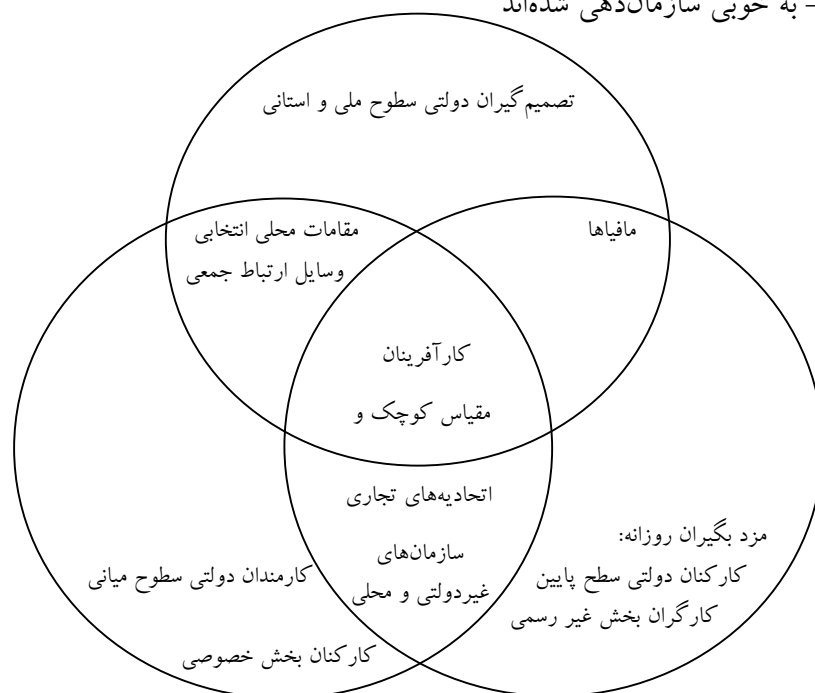
42. Main Regimes.

45. Private Sector.

برده می‌شود، از قبیل، حکمرانی یکپارچه^{۴۸}، حکمرانی بین‌المللی^{۴۹}، حکمرانی ملی^{۵۰} و حکمرانی محلی^{۵۱}. کنشگرانی که در حکمرانی در سطح محلی (شهری) فعالیت دارند را می‌توان در قالب شکل زیر نمایش داد.

نخبگان شهر:

- ۱- به صورت رسمی و غیر رسمی به شهر شکل می‌دهند
- ۲- به خوبی سازمان‌دهی شده‌اند



فقرای شهری :

طبقه متوسط:

- ۱- اغلب گرفتارند
- ۲- استثمار می‌شوند
- ۳- تلاش برای ساماندهی شهر دارند
- ۱- بی‌شکل‌اند
- ۲- بدون دلبستگی‌اند
- ۳- سازمان‌دهی نشده‌اند
- ۴- به طور زیادی استعداد تغییر دارند



باید تقویت و فعال شوند و فضای لازم برای توانمند شدن آنها فراهم شود

نمودار کنشگران شهری (سازمان ملل و اسکاب، ۱۹۹۹، ۳)

48. Corporate Governance.
50. National Governance.

49. International Governance.
51. Local Governance.

ویژگی‌ها و خصایص حکمرانی خوب

حکمرانی هشت ویژگی و خصوصیت دارند که عبارتند از توافق‌گرا بودن^{۵۲}، مساوات طلبی و فراگیر بودن^{۵۳}، اثربخشی و کارایی^{۵۴}، پاسخگو بودن^{۵۵}، قانون‌مداری^{۵۶}، شفافیت^{۵۷}، مشارکت^{۵۸}، مسؤول بودن^{۵۹}.

حکمرانی خوب به لحاظ نظری باید هشت خصیصه فوق را در بر گیرد. ولی در واقعیت میزان تحقق حکمرانی خوب می‌تواند در طول یک طیف قرار گیرد.

نتایج

به لحاظ نسبت و رابطه میان سه موضوع مطروحه یعنی نظریه رژیم و یا مبانی نظری سیاست شهری، دیدگاه سرمایه اجتماعی و حکمرانی، باید گفت هر یک به اداره مطلوب یک نظام اجتماعی می‌اندیشند. دیدگاه‌های نظری در زمینه سیاست‌های شهری در نظر دارد به تبیین قدرت بازیگران سیاسی عرصه شهری پردازد، نقش و جایگاه هر یک را تحلیل کند و سهم و قدرت آنان را نسبت به سایرین روشن نماید. بنابر تحلیل نظریه‌پردازان رژیم شهری در اداره امور شهر گروه‌ها و ذینفعان مختلف سهم دارند و بازیگران متعددی در شهر هستند، این بازیگران نهادهای دولتی- غیر دولتی و بخش خصوصی هستند. بنابراین نظریه رژیم به تحلیل روابط قدرت در شهر می‌پردازد و متغیرهای این نظریه در سطح کلان هستند. نظریه سرمایه اجتماعی با تأکید بر برخی متغیرهای خرد چون ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌ها از آنها به عنوان خزانه سرمایه انسانی یاد می‌کند که سبب افزایش اعتماد بین شهروندان می‌گردد. علاوه بر اینها بر وجود نهادها و تشکلهای عمومی و وجود روابط افقی و عمودی میان آنها و نهادهای دولتی تأکید دارد که از هم‌افزایی توان آنها زمینه توسعه پایدار فراهم می‌گردد. متغیرهای دیدگاه و نظریه سرمایه اجتماعی هم در سطح خرد و هم در سطح کلان مطرح هستند.

حکمرانی شهری^{۶۰} بر خلاف مدیریت شهری^{۶۱} فرآیندی مدیریتی است که به ایجاد و حفظ زیربناها و خدمات شهری می‌پردازد، حکمرانی شهری فرآیند کاملاً سیاسی است (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰، ۴۹). حکمرانی " اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداره برای مدیریت امور یک کشور در همه سطوح " است. این حکمرانی شامل ساز و کارها،

52. Consensus Oriented.

55. Accountability.

59. Responsiveness.

53. Equity and Inclusiveness.

56. Rule Of Law.

60. Urban Governance.

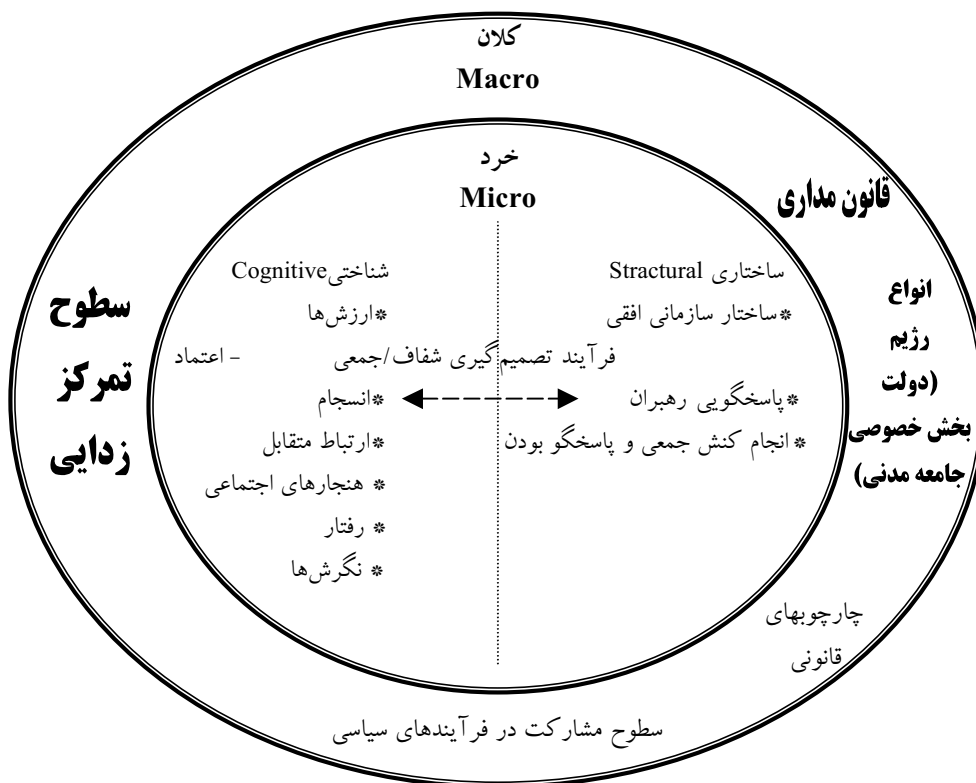
54. Effectiveness and Efficiency.

57. Transparency.

61. Urban Management.

58. Participation.

فرآیندها و مؤسساتی می‌شود که از طریق آنها، شهروندان و گروه‌های مختلف علایق خود را ابراز می‌دارند، اختلاف نظرهای خود را تعدیل می‌کنند و به توافق نظر می‌رسند و بر اساس حقوق و تعهدات قانونی خود عمل می‌کنند (همان منبع ۴۹). در حکمرانی خوب نیز سه نوع رژیم یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی با یکدیگر همکاری می‌کنند. این سه نوع رژیم، همان رژیم‌هایی هستند که در نظریه رژیم شهری مورد تحلیل قرار می‌گیرند. شکل‌گیری تفاهم، همکاری بین این نوع رژیم‌ها و انجام ائتلاف بستگی به وجود سرمایه اجتماعی دارد. چارچوب مفهومی ارتباط میان متغیرهای کلان مطرحه توسط نظریه رژیم شهری و حکمرانی شهری و سرمایه اجتماعی را می‌توان به صورت زیر ترسیم نمود.



نمودار چارچوب مفهومی ارتباط میان متغیرهای سطوح کلان و خرد برای شکل‌گیری حکمرانی خوب

شکل‌گیری حکمرانی خوب منوط به یک سری تغییرات در سطح کلان و یک سری تغییرات در سطح خرد است. سطح کلان به بستر نهادی که در آن سازمان‌ها عمل می‌کنند، ارجاع می‌شود. سطح کلان شامل روابط رسمی و ساختارها از قبیل قانون مداری (قواعد

حقوقی)، چارچوب‌های حقوقی، رژیم‌های سیاسی، سطح تمرکززدایی و سطح مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری راجع به خط و مشی‌ها است (Bain And Hicks, 1998).

سطح خرد به سهم بالقوه سازمان‌های افقی و شبکه‌ها که در توسعه دارند مربوط می‌شود. در سطح خرد دو نوع سرمایه اجتماعی وجود دارد: یکی شناختی^{۶۲} و دیگری ساختاری^{۶۳} (بین و هیکس، ۱۹۹۸). یک بخش از سرمایه اجتماعی که کمتر ملموس و قابل مشاهده است، سرمایه اجتماعی شناختی است که شامل ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، رفتارها و هنجارهای اجتماعی است. و ارزش‌ها نیز شامل: اعتماد، انسجام و روابط متقابل است که میان اعضای یک اجتماع مشترک هستند و شرایط لازم را برای اجتماعات جهت همکاری با یکدیگر برای حکمرانی خوب فراهم می‌کنند.

سرمایه اجتماعی ساختاری شامل: ساخت و عمل نهادهای رسمی و غیر رسمی در سطح محلی است که ابزارهای لازم برای توسعه اجتماع را فراهم می‌آورند. سرمایه اجتماعی ساختاری از طریق شبکه‌ها و سازمان‌های افقی که فرآیندهای تصمیم‌گیری آنها شفاف و جمعی است و همچنین رهبران پاسخگو و انجام کنش جمعی و پاسخگو بودن ناشی می‌گردد.

منابع و مآخذ

۱. راش، مایکل (۱۳۷۷)؛ جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: انتشارات سمت.
۲. شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)؛ مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری. فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۳. شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰) سرمایه اجتماعی مفاهیم اصلی و چارچوب نظری. فصلنامه علمی پژوهشی مددکاری اجتماعی شماره ۸. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.
4. Habitat, (1996); **Urbanizing World: Global Report on Human Settlements**. Oxford University Press.
5. Anthony m.orum (2001); **Political Sociology**. Publisher Nancy Roberts.
6. Bain.k-Hick.N. (1998); **Building Social Capital And Reaching Out**. Excluded Groups. Paper Presented at Celan Meeting on the Struggle Against Poverty The Turn Of The Millenium. Washington D.C.
7. Elkin. S. l (1987); **City and Regime in American Republic University of Chicago press**.
8. Elkin.S.l &Soltank.E. (Eds)(1993); **A new constitutionalism: Designing political institutions for a good society**_ Chicago University Press 1993.
9. Evans.Peter (1996); **Government Action. Social Capital and Development**. Reviewing the Evidence on Synergy. World Development 24(6) June.
10. Haddad l. And Maluccio. Jotrust. (2002); **Membership Groups and HouseHold Welfare: Evidence from Kwazulu- Natal South Africa-FCND**. Discussion Paper No.35- may
11. Kilby.Patrik. (2002); **Social Capital and City Society**. National Center For Development Studies.
12. Mc.Carney.P& others. (1995); **towards and Understanding of Governance_The emergency of and idea and its implications for urban reasearch in developing countries**. University of Toronto
13. Un- Escap. (1999); **What is Good Governance?** Bangkok. Thailand.
14. Woolcock m (1998); **Social Capital And Economic Development: Towards a Theoretical Synthesis and Policy Framework Theory And Society**. Theory and society 27(2): 151-208
15. Woolcock m. And Narayan (2000); **D-Social Capital: Implications For Development Theory**, Research and policy – The World Bank Research. Bserver-V.115- N.2

62. Cognitive.

63. Structural.